آرمان ملی
armanmeli.ir
سال هفتم
شماره ۱۹۵۶
دوشنبه
۱۴۰۳ • ۰۸ • ۰۷
۲۴ ربیع‌الثانی ۱۴۴۶/ ۲۸ اکتبر ۲۰۲۴

گزارش

غافلگیری اسرائیل از خشم خاورمیانه

چرا اعراب با ایران هم‌صدا شدند؟

تجاوز رژیم صهیونیستی به مناطقی در ایران خسارات اندکی به جای گذاشت و آنگونه که مقام‌های رسمی اعلام کردند در جریان این حملات صرفا سیستم‌های رادار آسیب جزئی دید که به سرعت ترمیم شد. همزمان ایران اعلام کرد که اسرائیل از حریم هوایی عراق در ۷۰ مایلی مرز ایران برای این حمله استفاده کرده است. تهران در ادامه واشنگتن را به واسطه دسترسی نامحدود به پایگاه‌های نظامی عراق و حراست و حمایت از اسرائیل برای انجام این حمله نامشروع به چالش کشید. این در حالی است که لوید آستین، وزیر دفاع ایالات متحده با انتشار پیامی در شبکه ایکس و در واکنش به تجاوز اسرائیل، از تهران خواست تا (به ادعای او) مرتکب اشتباهی نشود، با این حال ایران از همان ساعات نخست تجاور اسرائیل، پاسخ را حق مشروع و قانونی خود اعلام کرد. همزمان مقاومت اسلامی عراق صراحتا اعلام کرد که یکی از اهداف حیاتی اسرائیل در بلندی‌های جولان را هدف حملات پهپادی قرار داده است. این گروه با انتشار بیانیه‌ای گفت که عملیات برای انهدام سنگرهای دشمن با سرعت ادامه خواهد داشت. این خبرها در حالی رسانه‌ای می‌شود که تهاجم اخیر تل‌آویو به بیت لاهیه، واقع در شمال غزه موجب مرگ بیش از ۴۰ نفر شده است، بسیاری از کشته‌ها زنان و کودکان هستند. در شرایط کنونی اقدام متجاوزانه اخیر و در عین حال محدود اسرائیل به ایران به سوژه داغ بخش عمده‌ای از رسانه‌ها تبدیل شده است. بسیاری از تحلیلگران تلاش دارند تا با توسل به رویکردهای پیشین تهران، کنش‌ها و واکنش‌های احتمالی را تبیین کرده و به گونه‌ای معادلات پیش روی خاورمیانه را پیش‌بینی کنند. در همین راستا بلومبرگ مدعی شد که حمله اخیر اسرائیل که با هماهنگی ایالات متحده انجام شد، بیش از آنچه تصور می‌رفت محدود بود و از همین‌رو ممکن است تلاش‌های دیپلماتیک جهت پایان دادن به جنگ در غزه و لبنان و بازگردان اسرا را تسریع بخشد. این نشریه در ادامه گزارش ادعایی‌اش آورد، تل‌آویو تا مادامی که آنتونی بلینکن در منطقه حضور داشت اقدام متجاوزانه محدود خود را آغاز نکرد، پیشتر نیز برخی رسانه‌ها مدعی بودند که همزمان با بازگشت وزیر امور خارجه آمریکا، اسرائیل به ایران حمله خواهد کرد. بلومبرگ در ادامه این گزارش ادعایی گمانه‌زنی‌هایی را درباره نحوه این حمله که در مقیاس محدودی انجام شد، مطرح کرد و مدعی شد که به نظر می‌رسد مجموعه‌ای از جنگنده‌های اسرائیل در تاریکی و احتمالا با عبور از سرزمین‌های عراق و سوریه این حمله تجاوزکارانه را اجرایی کردند. این نشریه در ادامه به اظهارنظرهای ادعایی مقام‌های اسرائیلی اشاره کرد و مدعی شد، بازیگری که تا پیش از این مسئولیت هیچگونه از عملیات‌های خرابکارانه‌اش را بر عهده نمی‌گرفت، حالا به این حمله معترف است. از این منظر می‌توان گفت رویارویی در سایه میان تهران و تل‌آویو به پایان رسیده است. پیشتر بالاخص بعد از اجرای عملیات «وعده صادق ۲» که در جریانش ایران با موشک‌های بالستیک اسرائیل را هدف قرار داد، گروهی مدعی شدند که تل‌آویو قصد دارد در پاسخ نقاط حساس را هدف قرار دهد. حالا بلومبرگ ادعا می‌کند که جو بایدن برای مهار نتانیاهو تلاش کرده و لوید آستین نیز در تمامی این هفته‌ها با همتای اسرائیلی‌اش یوآو گالانت در تماس بوده است. در همین راستا ناظران می‌گویند، حمله محدود اسرائیل و خسارت اندکی که وارد شد، شاید موجب شود تهران به‌رغم حق مشروعی که برای پاسخ دارد، با هدف جلوگیری از تنش‌ها، واکنشی نشان ندهد. همزمان گروهی از ناظران با اشاره به مواضع تند کشورهای منطقه‌ای در محکومیت اقدام اسرائیل، براین باورند که تل‌آویو تصور نمی‌کرد که اعراب اینگونه با تهران هم‌صدا باشند. این در حالی است که این بازیگر در شرایط کنونی در دو جبهه غزه و لبنان گرفتار شده و هدف حملات مقاومت قرار دارد. ناظران مدعی‌اند، اسرائیل تصور می‌کرد با ترور رهبران مقاومت قادر است از شدت حملات کاسته و بر جبهه دیگر متمرکز شود، اما امروز در شرایطی متفاوت از آنچه تصور می‌کرد، قرار دارد و از شدت حملات علیه رژیم صهیونیستی کاسته نشده است. بلومبرگ در انتهای یادداشت خود ضمن اشاره به گزاره‌های فوق نوشت، در شرایط کنونی ایالات متحده و دیگر قدرت‌ها شاید تلاش‌ها برای بازسازی ادعایی ارتش و ساختار سیاسی لبنان را تسریع بخشیده، زمینه را برای آزادی ۱۰۰ گروگان فراهم و در نهایت برای بازسازی و اداره نوار غزه ترتیباتی تعریف کنند. به ادعای این نشریه، پاسخ محدود اسرائیل می‌تواند این فرایند را تسریع بخشیده و میدان را برای مشارکت بازیگران حاشیه خلیج فارس بالاخص امارات متحده در بازسازی غزه مهیا کند. از منظر این نشریه تا ۵ نوامبر و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا زمان اندکی باقی است و گام‌های بعدی (ادعایی) نتانیاهو احتمالا به پیروزی ترامپ یا هریس منوط است.

امیرعلی ابوالفتح در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

عدم اقدام اسرائیل علیه ایران تا انتخابات آمریکا گمانه‌زنی اشتباه بود

بازیگران ثالث تلاش می‌کنند خسارت جنگ در منطقه به حداقل برسد

دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان در تعهد به امنیت اسرائیل ذره‌ای با هم تفاوت ندارند

آرمان ملی- حمید شجاعی: پس از دو عملیات موفق وعده صادق ۱ و ۲ این تحلیل در رسانه‌های داخلی و بین‌المللی مطرح می‌شد که رژیم صهیونیستی چه زمانی و در چه ابعادی به حملات ایران پاسخ خواهد داد. هر چند که صهیونیست‌ها بارها در ادعاهای مطرح شده خود از حمله به مواضع ایران صحبت می‌کردند، اما در این میان تلاش برخی بازیگران ثالث مثل آمریکا یا روسیه و بعضا کشورهای اروپایی باعث می‌شد که این اظهارات صرفا در همان حد اظهارنظر باقی بماند. مخصوصا از ماه گذشته تاکنون که به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نزدیک می‌شویم این تلاش‌ها گسترده‌تر شد و این گزاره مطرح گردید که هیچ حمله‌ای پیش از انتخابات آمریکا علیه مواضع ایران صورت نخواهد گرفت و سطح تنش‌ها میان ایران و اسرائیل افزایش نخواهد یافت. اما حمله بامداد شنبه صهیونیست‌ها به برخی نقاط در تهران، خوزستان و ایلام باعث شد تا این فرضیه که تا پیش از انتخابات آمریکا تحرکی در منطقه شاهد نخواهیم بود به طور کلی رد شود. این در حالی است که تجاوز صهیونیست‌ها با قدرت پدافند دفاعی ایران دفع شد و به گفته مقامات مسئول خسارات بسیار جزئی برجای گذاشت، اما به صهیونیست‌ها نشان داد که ایران هم در قدرت تهاجمی در اندازه‌ای است که می‌تواند به اسرائیل آسیب‌های جدی و جبران ناپذیر وارد کند و هم در قدرت دفاعی به اندازه‌ای مطمئن است که هر حمله تجاوزکارانه دشمن صهیونیستی یا هر متجاوز دیگری را دفع کند. هر چند که پاسخ این تجاوز صهیونیست‌ها نیز در زمان و موعد مقرر خود مثل دفعات قبل کوبنده و محکم داده خواهد شد. در همین راستا برای بررسی اقدام اخیر رژیم صهیونیستی علیه ایران، تاثیر تحولات منطقه بر انتخابات آمریکا و تفاوت دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان در خصوص حمایت از اسرائیل و نگاه آنها به منطقه «آرمان ملی» با امیرعلی ابوالفتح تحلیلگر مسائل بین‌الملل به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

برخی این مساله را مطرح می‌کردند که با توجه به در پیش بودن انتخابات آمریکا رژیم صهیونیستی حداقل تا پس از این انتخابات در قبال ایران تحرکات نظامی نخواهد داشت، اما اقدام اخیر صهیونیست‌ها در تجاوز به ایران این فرضیه را بر هم زد، اساسا این مساله را چگونه بررسی می‌کنید؟

اینکه گفته می‌شد اسرائیلی‌ها قبل از انتخابات آمریکا یا بعد آن می‌خواهند حمله کنند گمانه‌زنی و فرض بود. هیچ مقام رسمی در اسرائیل یا در آمریکا نگفته بود که این واکنش به عملیات وعده صادق ۲ باید قبل از انتخابات یا بعد از انتخابات باشد. حتی گمانه‌زنی‌هایی بود که تحلیلگران در رسانه‌ها مطرح می‌کردند که البته مثل خیلی مواقع گمانه‌زنی‌ها، تحلیل‌ها یا پیش‌بینی‌ها محقق نمی‌شود. حالا اتفاقی که در عمل افتاده اینکه اسرائیل پیش از انتخابات آمریکا این عملیات را انجام داد. حال اینکه چرا این کار را انجام دادند مشخص نیست که چه گذشت و چه تحلیل و ارزیابی داشتند که این کار را در بامداد شنبه انجام دادند. نکته بعد اینکه به هر حال اسرائیل قصد داشت که این اقدام را انجام دهد. یعنی هیچ شواهد و قرائنی وجود نداشت که اسرائیل دست به اقدامی نزند. جمهوری اسلامی نیز به هر حال بر اوضاع مسلط بود. می‌دانست که در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد، اما روز و ساعت و ابعادش مشخص نبود. از این جهت به هر حال این اتفاق افتاد و گمانه‌زنی‌ها نیز اشتباه از آب درآمد.

برخی رسانه‌های غربی این گزاره را مطرح می‌کنند که در اینگونه حملات معمولا طرفین از قبل با واسطه به یکدیگر پیام می‌دهند و اطلاع‌رسانی می‌شود که چند و چون حمله از چه قرار است، اساسا چنین چیزی قابل قبول و قابل طرح است؟

این هم از آن دست ارزیابی‌ها است که هر وقت چه ایران حمله می‌کند و چه طرف مقابل، این گزاره مطرح می‌شود که مثلا ایران خبر داده بوده، در عملیات وعده صادق یک روز یا دو روز قبل خبر داده بوده یا خبر نداده بوده و... اولا که باید یکسری تدابیری اندیشیده شود. به عبارت دیگر دو کشور که با هم مرز مشترک ندارند که به طور مستقیم وارد درگیری شوند. بلکه موشک‌ها باید برای این کار از چند کشور رد شود. حداقل کار این است که به کشورهای منطقه اطلاع داده شود که مثلاً هواپیماها پرواز نکنند و خبر داشته باشند که این بدیهی‌ترین کار است. اینگونه طرف مقابل خبردار می‌شود. بالاخره دو کشور متحدین و دوستانی در منطقه دارند که یک چنین اخباری را می‌رسانند. در ماجرای جنگ اوکراین هم همین بود که چند هفته قبل از حمله روسیه به اوکراین دائم می‌گفتند لشکری آمده مستقر شده و آموزش می‌بیند و آرایش رزم گرفته و همه اینها را رصد می‌کردند که قرار است اتفاقی رخ دهد. البته اینکه اطلاع هم داده می‌شود خیلی هم دور از انتظار نیست. به هر حال وقتی که پیش فرض این باشد که هیچ کشوری نمی‌خواهد جنگ تمام‌عیار در منطقه رخ بدهد و از طرف دیگر هم حامیان رژیم صهیونیستی نمی‌توانند پشت سر این رژیم را خالی کنند یا طرف ایران را بگیرند. کاری که می‌کنند اینکه تلاش کنند که خسارات به حداقل برسد. فقط هم آمریکا نیست کشورهای منطقه هم همین‌طور، نمی‌خواهند که جنگ گسترش پیدا کند. بنابراین اگر اطلاعاتی داشته باشند در اختیار دیگران قرار می‌دهند که به هر حال یک عمل غیر منتظره یا یک حادثه‌ای که قابل کنترل نباشد رخ ندهد و در این چهارچوب اطلاعات داده می‌شود. این تحلیل است اما اینکه من اطلاعات دقیق داشته باشم که در شب حادثه چه کسی مثلا به روس‌ها آیا پیام داده یا ندادند و پیام به ایران منتقل شده چه بوده جزئیاتش چه بوده نمی‌دانم. دور از انتظار نیست که در هر تنشی، در هر گوشه دنیا بازیگران ثالث تلاش می‌کنند به گونه‌ای در کنترل تنش‌ها دخالت کنند که پیامدهای ناخواسته درگیری و تنش کم شود. حالا بخشی از مدیریت هم این است که اطلاعات به هم درز می‌دهند که طرف مقابل را مطلع می‌کنند که تعداد تلفات پایین بیاید و کشته‌ها کم شود. چون اگر خونی ریخته شود جمع کردنش خیلی سخت است و وقتی قرار است جنگ گسترده‌ای رخ ندهد همه تلاش می‌کنند که این اتفاق رخ ندهد.

> **دور از انتظار نیست که در هر تنشی، در هر گوشه دنیا بازیگران ثالث تلاش می‌کنند به گونه‌ای در کنترل تنش‌ها دخالت کنند که پیامدهای ناخواسته درگیری و تنش کم شود**

بسیار مطرح می‌شود که تنش در منطقه خاورمیانه یا در مساله اوکراین و روسیه تاثیر مستقیمی بر انتخابات آمریکا دارد، از دیدگاه شما تاثیرگذاری این مسائل تا چه حد است و چرا دولت بایدن دنبال آرامش قبل از برگزاری انتخابات است؟

طبیعی است هیچ دولتی نمی‌خواهد در شب انتخابات در عرصه داخلی و خارجی با مشکل، غائله، جنجال و بحران مواجه شود، هرچند سیاست خارجی جایگاه مهمی در انتخابات آمریکا ندارد مگر اینکه آن موضوع یا به جان سربازان آمریکایی ارتباط پیدا کند و جنگی باشد که سربازان آمریکایی در آن کشته می‌شوند یا بر کسب و کار، زندگی و معیشت مردم تاثیر بگذارد. ولی فارغ از آن هیچ دولتی نمی‌خواهد وقتی که در انتخابات است چه خود رئیس جمهور در انتخابات باشد و چه حزب و جناحش می‌خواهد این قدرت را استمرار ببخشند، تمرکز از موضوع انتخابات دور می‌شود. بعد هم به هر حال رئیس جمهور مستقر مسئول است و هر شکست و ناکامی پیش بیاید در عرصه داخلی و خارجی به اسم رئیس جمهور مستقر نوشته می‌شود. بنابراین طبیعی است که دولت دموکرات بایدن می‌خواهد در عرصه سیاست خارجی نوعی آرامش داشته باشد. البته آرامش که امکان‌پذیر نیست اما تلاش می‌کنند که مناقشه گسترده نشود و شدت پیدا نکند. نه اوکراینی‌ها جنگ را گسترش دهند و نه اسرائیلی‌ها چون می‌تواند در انتخابات اثر بگذارد. در مورد فلسطین می‌توان گفت که هم روی رای دهندگان یهودی اثر دارد و هم روی رای دهندگان مسلمان. البته فقط هم بحث اسلام و یهودیت نیست بلکه جریان‌های صلح طلب هم در میان جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها هستند که مسیحی‌اند ولی نگاه‌های صلح‌طلبانه دارند. از نظر افکار عمومی در آمریکا به هیچ وجه خوشایند نیست که خون و خونریزی شود، زنان و کودکان قتل عام شوند بعد رئیس جمهور آمریکا تماشا کند و هیچ کاری از دستش برنیاید یا کاری نکند. بنابراین خیلی سعی می‌کند که شرایط را مدیریت کنند. در مورد غزه و فلسطین تا پنج شش ماه پیش اخبار خیلی هولناکی از جنایت صهیونیست‌ها و کشتارها می‌آمد اما حالا مقداری از شدت آن کاسته شده است. تا حدودی هم با فشار آمریکایی‌ها که گفتند ارسال سلاح به اسرائیل را تحریم می‌کنیم، تهدید کردند و نامه نوشتند باعث شد تا اسرائیلی‌ها از کشتار و جنایت کم کنند که جهانیان بیش از این تحت تاثیر قرار نگیرند. از این جهت طبیعی است که دولت بایدن چنین سیاستی در پیش بگیرد.

> **هیچ دولتی نمی‌خواهد در شب انتخابات در عرصه داخلی و خارجی با مشکل، غائله، جنجال و بحران مواجه شود، هرچند سیاست خارجی جایگاه مهمی در انتخابات آمریکا ندارد**

برخی معتقدند که تفاوت کاندیداهای ریاست جمهوری آمریکا در سیاست خارجی در نوع نگرش آنها به مسائل بین‌المللی به ویژه خاورمیانه و اسرائیل است، اساسا نگاه کامالا هریس با دونالد ترامپ نسبت به اسرائیل و مسائل منطقه چه تفاوت آشکاری با هم دارد؟

دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان در حمایت از اسرائیل، در تعهد به حفظ امنیت اسرائیل و تایید عملکرد این کشور به اندازه یک سر سوزن با هم تفاوت ندارند. به هیچ عنوان اینطور نیست که دموکرات‌ها بیایند و حمایتشان از اسرائیل کم شود و جمهوری‌خواهان بیایند بیشتر نشود. دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان سر خیلی چیزها با هم اختلاف دارند ولی در مورد اسرائیل شانه به شانه و همراه یکدیگر حمایت می‌کنند این کلیت ماجراست. فقط بر سر اینکه چه مسیری امنیت اسرائیل را تامین کند اختلاف نظر کوچکی دارند. دموکرات‌ها و جریان لیبرال معتقدند امنیت اسرائیل زمانی تامین می‌شود که دو کشور فلسطینی و اسرائیل با هم صلح کنند و صلح بین اسرائیل و فلسطین به صلح در منطقه کمک می‌کند. جمهوری‌خواهان هم با این موافقند و مخالف تشکیل دو کشور نیستند، اما می‌گویند که دموکرات‌ها اجبار می‌کنند و از ابزارهای سیاسی اقتصادی امنیتی و دیپلماسی آمریکا برای تحت فشار قرار دادن اسرائیل در جهت پذیرش راه حل دو کشوری استفاده می‌کنند، ولی جمهوری‌خواهان می‌گویند که اگر اسرائیل تشخیص داد که این راه حل به نفعش نیست آمریکا نباید اسرائیل را تحت فشار قرار دهد. لذا فقط سر این تحت فشار قرار دادن یا ندادن اختلاف نظر وجود دارد. وگرنه هر دو در بحث تعهد به امنیت اسرائیل و طرح دو کشوری هم نظر هستند. حالا دولت هریس روی کار بیاید همان ادامه دولت بایدن است. دولت ترامپ هم بیاید ادامه دوره قبلی او خواهد بود و دست اسرائیل برای یکسری از کارها باز می‌شود حداقل در ظاهر دولت ترامپ کمتر بر اسرائیل فشار می‌آورد. البته به این معنی نیست که اسرائیل هرکاری دلش خواست انجام دهد و زمان ترامپ هم اینگونه نبود ولی ترامپ دغدغه ترمیم چهره آمریکا را در قبال موضوع اسرائیل پیش کشورهای اسلامی کمتر دارد تا بایدن یعنی دولت ترامپ کمتر دارد. چون مباحث حقوق بشری برای جریان لیبرال مقداری مهم است. اما جمهوری‌خواهان بیشتر امنیت‌گرا هستند. این تفاوت وجود دارد وگرنه در کلیات هیچ تفاوتی وجود ندارد.

ذره بین

قفقاز جنوبی و یارکشی شرق و غرب

هم‌صدایی آمریکا و اروپا با ارمنستان؛ آذربایجان پلن غرب را خنثی می‌کند؟

۱۸ اکتبر، پلتفرم همکاری منطقه‌ای ۳+۳ که شامل ارمنستان، آذربایجان و گرجستان به اضافه سه قدرت منطقه‌ای (ترکیه، ایران و روسیه) است، سومین نشست خود را در سطح وزیران برگزار کرد، البته باز هم بدون مشارکت گرجستان. این نشست به میزبانی ترکیه در استانبول در بحبوحه وضعیت امنیتی و حساس در منطقه به دلیل پیامدهای جنگ روسیه و اوکراین، تنش بین ایران و رژیم صهیونیستی، انتخابات سرنوشت ساز پارلمانی آتی در گرجستان و چالش‌های حاکم بر فرایند صلح ارمنستان و آذربایجان برگزار شد.

قفقاز و معمای صلح

در این میان آنگونه که کامن اسپیس نوشته، در جریان این نشست هیچ توافق تازه یا بزرگی حاصل نشد. با این همه امکان برگزاری چنین نشستی در کنار پیام‌های رد و بدل شده، با اهمیت است. بیش از همه، این نشست بر اجماع سه قدرت منطقه یعنی روسیه، ترکیه و ایران در مورد نظم ژئوپلیتیکی ایجاد شده در قفقاز جنوبی پس از جنگ دوم قره‌باغ تاکید داشت. این همان گزاره‌ای است که هاکان فیدان، وزیر امور خارجه ترکیه در مراسم سخنرانی‌اش در این مراسم به وضوح برآن باور داشت. او در این باره مدعی شد، «دیدگاه ما در قفقاز جنوبی بر اساس احساس مالکیت منطقه‌ای تعریف شده است. ما معتقدیم که کشورهای منطقه مشکلات منطقه را بهتر می‌شناسند و قادر به حل آن هستند. فرمول تکیه بر راه‌حل‌های منطقه‌ای جهت حل مشکلات منطقه، از سال گذشته به‌ویژه قبل و در جریان دومین نشست گروه ۳+۳ در تهران در ماه اکتبر، به وضوح توسط طرفین بیان شد. در حالی که این رویکرد به نفع روسیه و ایران است، زیرا آن‌ها مخالف دخالت بازیگران غربی در امور قفقاز جنوبی هستند، آذربایجان و گرجستان نیز به دنبال توافق بر سر این موضع هستند. آذربایجان، به ویژه، به واسطه رویکرد تلافی جویانه حاکم بر ارمنستان و درخواست‌های مخالفان برای باز پس‌گیری مناطق از دست رفته به آذربایجان در سال‌های ۲۰۲۰- ۲۰۲۳، از افزایش تدارکات نظامی توسط فرانسه و هند در ارمنستان احساس خطر می‌کند. طی سال گذشته یعنی از اکتبر ۲۰۲۳، زمانی که فرانسه با ارائه انواع سلاح به ارمنستان موافقت کرد، روابط بین آذربایجان و فرانسه بیش از پیش تیره شد. به ادعای این نشریه، چنین تنش‌هایی بین آذربایجان و فرانسه به تدریج روابط باکو از یکسو و اتحادیه اروپا و ایالات متحده از سوی دیگر را تحت تاثیر قرار داده است. آذربایجان همچنین به کمک نظامی (۱۰ میلیون یورو) که توسط تسهیلات صلح اروپا به نیروهای مسلح ارمنستان ارائه شده است، اعتراض دارد. باکو از اتحادیه اروپا به دلیل استانداردهای دوگانه انتقاد می‌کند، زیرا بروکسل هرگز از آذربایجان حمایت نکرد. فرایند ارسال کمک‌های نظامی اتحادیه اروپا به ارمنستان از طریق پلتفرم جدیدی برای کاهش وابستگی ارمنستان به روسیه که در نتیجه نشست سه جانبه آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه ایالات متحده در ۵ آوریل و اورسولا فون در لاین رئیس کمیسیون اروپا تعریف شد، با ایالات متحده هماهنگ است.

رویارویی بر سر زنگزور

باکو از رویکرد بازیگران غربی انتقاد می‌کند و مواضع این گروه را تلاشی برای ایجاد «خطوط تقسیم ژئوپلیتیک» در قفقاز جنوبی توصیف می‌کند. به همین ترتیب، باکو درخواست‌ها برای ابزاری کردن کریدور زنگزور در بازی‌های ژئوپلیتیک را رد می‌کند. چنین موضع‌گیری به ویژه به پیشنهاد ایالات متحده برای باز کردن کریدور بدون مشارکت روسیه و استفاده از آن برای کاهش وابستگی آسیای مرکزی به روسیه و چین مربوط می‌شود. علاوه بر این، رویدادهای اخیر در چند ماه گذشته حاکی از شکاف فزاینده بین گرجستان و متحدان غربی این بازیگر نیز هست. این تنش در ابتدا به دلیل واکنش شدید نسبت به تصمیم دولت گرجستان برای تصویب و اجرای مقررات بحث برانگیز موسوم به قانون «عامل خارجی»، به ارزیابی مجدد روابط این کشور با بروکسل و واشنگتن تبدیل شد. تفلیس غرب را به مداخله در امور داخلی گرجستان و تلاش برای کشاندن این کشور به جنگ علیه روسیه متهم می‌کند. بنابراین، انتخابات آینده معادلات گرجستان و منطقه را ترسیم خواهد کرد. می‌توان انتظار داشت که گرجستان نقش خود را در پلتفرم‌های منطقه‌ای گسترش دهد و به احتمال زیاد به گروه ۳+۳ بپیوندد، مشروط بر آنکه دولت فعلی موفق شود در قدرت بماند. در این زمینه، موضع ایروان مبه هم است. حجم مبادلات تجاری سالانه ارمنستان با روسیه به ۱۶ میلیارد دلار رسیده که تقریبا هشت برابر بیشتر از سطح قبل از جنگ اوکراین است. ارمنستان متهم به کمک به روسیه برای دور زدن تحریم‌های غرب است. با وجود این، تنش‌ها و اختلافات همچنان روابط روسیه و ارمنستان را تحت تاثیر قرار داده است. با توجه به پویایی آذربایجان و گرجستان، به نظر می‌رسد ارمنستان آخرین امید غرب برای حفظ حضور در حوزه امنیتی قفقاز جنوبی باشد. با این حال، ارمنستان به عنوان کوچک‌ترین کشور در منطقه، محصور در خشکی و احاطه شده توسط اعضای ۳+۳، فاقد ظرفیت لازم برای خدمت به عنوان سنگری برای منافع غرب در این منطقه حیاتی ژئواستراتژیک است. این پیکربندی ژئوپلیتیکی در قفقاز جنوبی نشان می‌دهد که پویایی‌های منطقه‌ای برای اجرای طرح‌های ۳+۳ مطلوب‌تر از همیشه هستند. در حالی که سه قدرت اطراف در همه موضوعات کاملاً همسو نیستند -گزاره‌ای که در تنش‌های اخیر بین روسیه و ایران بر سر کریدور زنگزور مشهود است- آنها منافع مشترک قوی در مخالفت با دخالت غرب در منطقه دارند. این هدف مشترک به آنها پتانسیل قابل توجهی برای حل اختلافات و تقویت نفوذ جمعی خود بر قفقاز جنوبی می‌دهد.